

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم. با عرض سلام و خدا قوت خدمت استاد عزیزتر از جانم: استاد، الحمدلله رب العالمین، خداوند متعال به لطف و کرمش توفیق کسب معرفت در محضر شما را به بنده حقیر داده، هیچ هم نیستیم. لکن در حد خودمان نسبت به اینکه طلبه هم هستیم تلاشمان این است در مجالسی، مهمانی یا گفتگو هایی، باب صحبت هایی از جمله: ظلمت های زمانه، غرب، کثرت ها، پوچی ها، حضور، علت افسرگی ها، و نسبت کربلا و انقلاب اسلامی و تجلی خداوند را بیان نمایم، البته با زبانی که خودم را لایق بیان این گفتار ها نمی دانم و در آخر ایجاد مسئله و ارتباط آن با مطالعه کتاب های شما. اما ابهام و مشکل این جاست است: یادم است خودتان می فرمودید که در هیئت عاشوراییان بهتون گفته شده بود که عموم مردم متوجه مطالبتون نیستند و بهتون گفته شد مثال بزیند که البته به قول خودتان مثال هم حق مطلب را ادا نمی کند. بنده هم دچار همین حالت، از طرفی بشر امروزی تشنه است از طرفی دچار روحیه داعشی گری. اول کلام می گویند به به چه حرف هایی آخر کار هم خسته می شوند و نفی می کنند، البته از یکی شاگرد هاتون پرسیدم خیلی ها متوجه صحبت هام نمی شوند چه کار کنم؟ فرمودند: قرار نیست متوجه هم بشوند قرار است خودشان را در همان افق پیش رو ببینند و احساس حضور. حال استاد عزیز با اینکه بنده هم مزاحم وقتتان شدم با توجه به این حالات مردم که اصلا مسئله شان اینها نیست کارم را به این شکل ادامه بدهم!؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: با محبت و سعه صدر و در حدّ آمادگی مخاطبان تان مطالب را با آنان در میان بگذارید و بدون اصرار، تنها چشم اندازی برای آن ها بگشایید به امید آن که آرام آرام در آینده متوجه تاریخی شوند که با انقلاب اسلامی به ظهور آمده است. موفق باشید